

آقای وزیر

آیا بازار سرمایه اسلامی است؟!

با این کار بهای سهم را از حدود هزارو ۴۰۰ تومان به ۵۵۰ تومان رساندند تا بتوانند سهم را در بهای پایین جمع کنند. ناظر بورس شرکت را از رتبه گروه «ب» بازار به رتبه «ج» تقلیل داد. با این کار از محدودیت خاصی قیمت رهایی یافت. اخیرا بلافاصله گزارش‌های مثبت و مورد هدف بازار و تأثیرگذار را انعکاس داد و در فاصله زمانی اندک بهای سهم را جلوی چشم ناظر بازار تقریبا به دو برابر رساند! سقف مجاز فروش حق تقدم سرمایه‌گذاری پربسی در ۲۶ شهریور ۱۱۶ ریال اعلام شد. اما چون وابستگیان مورد نظر موفق نشدند در ردیف اول صف خرید قرار گیرند و به بهای خوب خرید کنند، بدون اطلاع‌رسانی به بازار، سقف را به ۱۲۷ ریال افزایش دادند تا بتوانند در ردیف اول قرار گیرند و جمع کنند! چگونه این کار شدنی است؟! رینک‌سازی مشهد در فروردین و اردیبهشت ۹۶ بهای فروش محصولاتش را حدود ۱۰۵ هزار تومان اعلام کرد تا حاشیه سود را بالا نشان دهد و متعاقب آن بهای سهم بالا رود و به‌تبع آن بهای حق تقدم نیز بالا قرار گیرد، بعد که به مقصد رسیدند و حق تقدم را گران به مردم منتقل کردند، بهای فروش محصول را در خرداد ۹۶ کاهش و ۸۰ هزار تومان گزارش دادند؛ یعنی سود را کمتر از قبل جلوه دادند تا بتوانند در صورت لزوم، حق‌های استفاده‌نشده را به بهای کم جمع کنند! بسیاری از این موارد وفق قواعد فقهی مشمول خیار غبن مشهود و خیار تدلیس هستند. این بازی با اخبار، سود و بالا بردن قیمت به وقت فروش و کم‌کردن قیمت در زمان خرید که در فواصل زمانی کوتاه و بدون توجیه عقلی اتفاق افتاده است، خلاف آیه ۸۵ سوره اعراف است که می‌فرماید: از اموال مردم چیزی نکاهد. قاعده فقهی تلفاف و تسبیب می‌گوید عوامل ضرر و تلف مال، آگاه باشند یا جاهل، در برابر تلفات به هر نسبت و درصدی که وارد شده است مسئولیت دارند و باید جبران کنند. (مشافی)، قدرت‌الله؛ قاعده‌های فقهی؛ ج دوم؛ سمت ۱۳۸۵؛ ص ۱۳). زغال‌سنگ نگین طیس صرفنظر از اینکه سود توزیع‌شده را خلاف قانون تجارت با تأخیر چندساله تقسیم کرده است، حق تقدم سهامداران را از طریق تهاتر با مطالبات تبدیل به سهم نمی‌کند و آنها را فروخته و خلاف قانون و شرع سال‌ها پرداخت نمی‌کند؛ و با آن کار می‌کند و برای اینکه وام نگیرد و هزینه مالی پرداخت نکند، با مال سهامداران کار می‌کند و مردم متضرر می‌شوند. مانند این شرکت در بازار سهام یک نیستند. سودها را خلاف قانون در فاصله حد اکثر هشت ماه به مردم نمی‌دهند و با آن مدتها کار و سهامداران را متضرر می‌کند. متأسفانه هیچ نهادی پاسخ‌گوی این تخلفات و پیگیری احقاق حق نیست. هرگاه امکان استفاده مالک از مالش برای مدتی سلب شود و پس از گذشت زمانی آن مال آزاد شود، اگر ارزش آن در برابر تورم نیز کم نشده باشد، صرفا به دلیل محرومیت از کار یا آن سرمایه، آسیب دیده و ضرر کرده است، بنابراین نوعی تسبیب روی داده است (ر.ج: موسوی‌بجنوردی، محمد؛ قواعد فقهیه؛ نشر علمی - فرهنگی مجد ۱۳۸۵؛ ص ۱۱). چون نه احسان است و نه استیمان که تلف مال توسط محسن باشد یا از طریق عدم نقش‌اعلان، بنابراین مسئول و ناظر بازار باید شرایط را برگرداند.

وزارت اقتصاد و سایر نهادهای مرتبط، باید سد ذرایع کنند و جلوی فساد و کلاهبرداری مالی در بازار سهام را بگیرند. این بازار باید اسلامی رفتار کند. سبزکردن تصنعی شاخص‌های یکی دیگر از این حق‌ها در اقتصاد سیاسی بازار است، بنابراین سبزبودن شاخص معیار نیست، چون با ترفندهایی می‌توان سبب سبزشدن شاخص شد، بدون آنکه شاهد رشد شاخص در دوره موردنظر باشیم. بازار را باید به ناظران متعهد و متخصص سپرد. آیه ۵۸ سوره نساء تأکید می‌کند که امانات خود را به اهلش بسپارید، اموال و دارایی‌های مردم در قالب سهام، امانات مردم هستند که نمی‌توان به هر کسی سپرد. آیه پنجم همان سوره نساء می‌فرماید اموال خود را به افراد ضعیف نسپارید. وزارت اقتصاد اگر به‌دنبال اسلامی‌سازی بازار است، باید مسئولان بازار سرمایه را به‌درستی انتخاب کند و این بازار باید عادلانه عمل کند. اسلام به‌دنبال تأمین عدالت در جامعه است و این مسیر نباید سد شود، بلکه راه ظلم باید بسته شود و این انتظار بققی است که م‌سردم از وزارت اقتصاد در حوزه اقتصاد کلان، از جمله بازار سرمایه ثانویه و اوراق بهادار دارند. یکی از معیارهای سلامت اقتصاد در هر اقتصادی، سازوکار سالم در بازار سرمایه است. عدالت در توزیع امکانات تولید، عدالت در درآمد و مصرف را نیز به‌همراه خواهد داشت.

خبر

موتورسیکلت‌ها ۴ برابر خودروها آلودگی دارند

● رئیس سازمان ملی استاندارد با اشاره به وضعیت استاندارد موتورسیکلت‌ها می‌گوید، گفت: یک موتورسیکلت کارآبروتوری چهار برابر یک خودرو ایجاد آلودگی می‌کند. نیربه پیروزبخت در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان اینکه موتورسیکلت‌ها باید با استانداردهای روز اروپا تولید شوند، اظهار کرد: مبنای استاندارد ما، استاندارد روز اروپاست که در آن همه موتورسیکلت‌ها باید انژکتوری باشند؛ یعنی آنچه در مصوبه ریاست جمهوری نیز به آن اشاره شده است.

معاون ارزی سابق بانک مرکزی در گفت‌وگو با «شرق» از اشتباهات بانک مرکزی در دولت احمدی‌نژاد پرده برداشت

به بهانه بازنشستگی برکنار شدم

در سال‌های ۸۹و ۹۰ بیش‌تر از ۲۰ میلیارد دلار در بازار، ارز فروخته شد



عکس: رنوفه رستگاری

کند و تعاملات خود را صورت دهد تا نیازهای ارزی خود را درباره نقل‌وانتقالات انجام دهد.

صحبت را از حساس‌ترین بخش سوابق مدیریتی شما یعنی دقیقا زمانی که ارز می‌رفت به بحران رشد سه‌برابری قیمت نزدیک شد، پیش ببریم. تیر سال ۹۰ که سمت معاونت ارزی بانک مرکزی را پذیرفتید، پیش‌بینی وضع پیش‌رو را می‌کردید؟

وقتی از حوزه معاونت ارزی کنار رفتم، ارز را هزارو ۲۴۰ تومان تحویل دادم؛ بنابراین تقریبا ۱۰ درصد افزایش نرخ ارز در آن مقطع مربوط به دوران ما بود که من وارد این حوزه شدم. سال ۹۰ آمدم که شش ماه در حوزه معاونت بین‌الملل و شش ماه در معاونت ارزی بانک مرکزی بودم. معضلات آن زمان دلایل زیادی داشت، مهم‌ترین آن نحوه غلط مداخله بانک مرکزی بود؛ یعنی ورود ما در بازار و فروش ارز مکانیسم درستی نداشت.

یعنی بطور بود؟

ارز به اف‌راد خاص و صرافی‌های خاص فروخته می‌شد. بعد هم طلا فروخته شد. طلا برای ما ارز بود و ما آن را می‌فروختیم؛ یعنی مردم اگر نمی‌توانستند ارز را از داخل کشور به خارج ببرند، طلا می‌بردند و قیمت آن هم مشخص بود. پس مکانیسم و نحوه مداخله و برخورد بانک مرکزی غلط بود. ریشه اقتصادی آن مربوط به پایین نگه‌داشتن نرخ ارز و ریشه سیاسی آن تحریم‌ها بود. ما هم تحریم‌ها را با اهمیت تلقی نمی‌کردیم. روزی که دولت جدید آمد، خودبه‌خود ارز سه‌هزارو ۸۰۰ تومان به سه هزار تومان برگشت؛ پس باید به انتظارات تورمی بیشتر توجه کرد. در آن مقطع انتظارات تورمی زیاد بود. همه فکر می‌کردند تورم و تقاضا بیشتر می‌شود؛ اما تورم به ۳۸، ۳۷ درصد می‌رسید. پس اینها جنبه روانی کار بود. چرا بعد از روی‌کارآمدن دولت جدید قیمت از یک‌دفعه کم شد. آنها که ارز خریده بودند تا گران شود، خودشان فروشنده شدند؛ بنابراین انتظارات تورمی خیلی اهمیت دارد که مردم درباره آینده چگونه فکر می‌کنند؛ مثلا در سال‌های ۹۰ و ۹۱ افرادی بودند که حتی نمی‌دانستند پول‌شان چقدر است و نرخ ارز چقدر است. همگی برای خرید ارز به صرافی می‌رفتند.

خیلی‌ها هم از ارزانی ارز سود بردند؛ مثلا توانستند پول بخشی از خانه‌شان را تهیه کنند.

چون می‌دیدند امروز نرخ ارز هزارو صد تومان است و فردا هزارو ۵۰۰ تومان. ۲۰۰ تومان برد می‌کردند. فردا هزارو ۵۰۰ تومان می‌خریدند که روز بعد دو هزار تومان بفروشد؛ اما آنها که ارز را به قیمت بالایی خریدند تا گران تر شود، چهار سال باخند، اما اگر سرمایه‌شان را در بانک می‌گذاشتند، با نرخ ۲۰ درصد در چهار سال ۸۰ درصد سود می‌بردند؛ اما نه تنها سود نبردند که در دولت جدید ضرر هم کردند. امروز هم بحث سفته‌بازی روی ارز یا خرید ارز نیست. برای گران‌شدن آن خیلی مورد توجه فعالان و سفته‌بازان نیست. آنها که می‌خرند تا فردا بفروشند، ممکن است از نوسانات کوچک سود ببرند؛ اما در بلندمدت کسی روی ارز سرمایه‌گذاری نخواهد کرد؛ بنابراین دلایل اقتصادی پایین نگه‌داشتن نرخ ارز بانک مرکزی و نبود مداخله صحیح بود. بازی در بانک به صرافی‌ها پرد. کنترل تقریبا در دست دولت خارج شده بود.

شما در اظهارات خود گفتید نحوه مداخله بانک در بازار ارز غلط بود. آیا سعی نکردید دراین‌باره اقدامی کنید؟

من به‌عنوان نفر دوم بانک مرکزی در موضوع ارز بودم؛ ولی در دوران معاونت ارزی من تصمیم می‌گرفتم.

یعنی حرف شما را نمی‌خواندند؟

نحوه مداخله و مصاحبه‌ها مهم بود. شما قرار نیست حتما بگویید نرخ ارز را پایین می‌آورم. باید به اقتصاد علامت داد. البته امروز رئیس کل بانک مرکزی هم مصاحبه می‌کند. هر چند پیش هم اعلام کرد نوسانات نرخ ارز عادی است؛ هرچند باید با مردم شفاف‌تر باشیم و نکاتی که می‌گوییم، به حقیقت نزدیک باشد. بانک مرکزی نیاز ندارد ارز بفروشد. باید نشان دهد که خیلی قوی است و می‌تواند بازار را مدیریت کند؛ اما نباید هر روز مداخله کند و باید بگذاریم بازار خودش را تنظیم کند و زمانی که در دامنه مشروعیش جا می‌شود، با یک حرکت در یک مقطع زمانی با یک مبلغ معین سواغش شروع کنیم.

پس مداخله مبلغ دارد و زمان دارد. نهایتا نرخ مبادلاتی را یک بار هزارو ۲۲۴ تومان و بار دیگر دوهزارو ۵۰۰ تومان تعیین کردند. نمی‌شد روی نرخ ۹۰۰ تومان دفاع کرد.

شما فرمودید نفر دوم در بحث نرخ ارز بودید؛ پس می‌توان گفت همه دستورات فرمایشی بود؟

نه در مقطعی که من حضور داشتم. تا زمانی که در سمت معاون ارزی بودم، اجازه مداخله فروش ارز به نرخ کمتر را به‌هیچ‌وجه ندادم. به‌همین‌دلیل هم بازنشسته شدم. من می‌گفتم ارز در مقطعی که به آن حمله می‌شود، باید از طریق بانک‌ها و برای مصارف واقعی کشور فروخته شود. ارز را همین‌طوری نباید بفروشیم که نرخ کاهش یابد. من می‌گفتم ارز باید برای مصارف واقعی و واردات و خدمات مورد نیاز کشور از طریق بانک‌ها فروخته شود؛ چون بانک‌ها را بانک مرکزی می‌تواند کنترل کند و از آنها سؤال و جواب کند. البته در آن مقاطع متأسفانه مؤسسات، نهاده‌ها و برخی بانک‌ها روش غلطی را پیش می‌برد. می‌دیدند ارز گران می‌شود، خودشان هم می‌خریدند.

پس می‌توانیم بگوییم مداخله شما در سیاست‌های بانک مرکزی باعث شد از این سمت کنار بروید.

بله برای همین هم بازنشسته شدم.

بازنشسته شدید یا شما را کنار گذاشتند؟

وقتی قرار شد از کنار بگذارند، با بازنشستگی کنار گذاشتند.

سیاست‌های شما به مذاقشان خوش نیامده بود؟

بله سیاست من با سیاست بانک مرکزی متفاوت بود. بعد هم آقایان متوجه شدند این سیاست قابل ادامه نیست. سه ماه بیشتر مدخلات انجام نشد. بعد از رفتن من تا شب عید نتوانستند مداخله را با آن ترتیب انجام دهند چراکه امکانات بانک مرکزی اجازه آن را نمی‌داد. برای همین هم نرخ را عوض کردند و به دوهزارو ۵۰۰ تومان رساندند.

همین مسئله موجب شد ذخایر بانک مرکزی هم کاهش یابد.

نداشت که بفروشد. تعهدات ما در خارج از کشور زیاد بود؛ به واردات باید جواب می‌دادیم، بانک‌ها تقاضای وارداتی داشتند. شرایط تحریم هم حاکم بود.

در آن زمان محمود بهمنی رئیس وقت بانک مرکزی در یک مصاحبه اعلام کرد باید افزایش نرخ ارز نگرانی نداریم و می‌توانیم آن را کنترل کنیم. چند روز بعد با تزریق دلار به بازار، از نرخ‌ها ۷۰۰ تومان کاست و قیمت را به هزارو ۱۴۰ تومان رساند. سیاست تزریق و کنترل به دستور شما نیز اجرا می‌شد؟

خود این حرف وقتی پاسخگو نبود، مشکل‌ساز می‌شد. یکی از ایرادهای بانک مرکزی این بود که در مصاحبه‌ها اعلام می‌کردیم نرخ ارز به حالت عادی خود برمی‌گردد. این اتفاق دو سه مرتبه نیفتاد. دیگر برای مردم عادی نبود که این حرف صحیحی نیست. نهایتا بانک مرکزی هم تصمیم گرفت نرخ را به دوهزارو ۵۰۰ تومان برساند.

شما نقشی در کنترل و تزریق ارز به بازار داشتید؟

مداخله در بازار از توسط بانک مرکزی همیشه بوده نه اینکه در زمان خیلی قدیم مداخلات انجام نمی‌شد اما در حد شش، هفت سال حدود شش میلیارد دلار بود اما در مقاطع ۹۰، ۸۹ بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار در بازار فروخته شد. من تجربه گذشته مداخلات بانک مرکزی را داشتم چون ۳۰ سال بود در بانک مرکزی کار کرده بودم.

شما در تزریق ارز به بازار نقش داشتید؟

خیر.

برای تزریق ارز به بازار شما دستور می‌دادید یا رئیس بانک مرکزی؟

من این را می‌خواهم بگویم؛ از روزی که وارد حوزه معاونت ارزی شدم تا زمانی که در این سمت بودم، فیروش ارز به صورت مداخله‌ای از قطع کردم به همین دلیل هم کنار کشیدم. پس اینکه نقش من چه بوده دیگر چیست. من با سیاست بانک مرکزی موافق نبودم. متأسفانه در آن مقطع سرمایه‌گذاری روی ارز شد نه مصرف. ارز می‌خریدند که گران‌تر بفروشند نه اینکه مصرف کنند. بنابراین با این بخش که مردم را به خرید ارز تشویق و سرمایه‌گذاری روی ارز کنند، مخالفت می‌کردم. امروز هم برخی می‌گویند اگر نرخ ارز پایین

معاون ارزی سابق بانک مرکزی در دولت احمدی‌نژاد پرده برداشت

به بهانه بازنشستگی برکنار شدم

در سال‌های ۸۹و ۹۰ بیش‌تر از ۲۰ میلیارد دلار در بازار، ارز فروخته شد

باشد، ممکن است به ارز حمله شود و این یک واقعیت است که باید مورد توجه قرار گیرد.

تعیین نظام چندنرخ‌ی ارز در شرایطی که مبنای هزینه‌ای برای آن در نظر گرفته نشده بود؛ چقدر مسبب فساد است؟

چندنرخ‌ی که هیچ، دونرخ‌ی هم مسبب فساد است. باید هرچه زودتر از دونرخ‌ی هم جدا شویم.

صف‌های طولانی برای دریافت ارز ارزان و سودهایی که یک‌روزه به دست می‌آمد، چقدر فساد ایجاد کرد؟

ارز دونرخ‌ی عامل فساد است؛ صف که شود یعنی یک جایی رانتی توزیع می‌کند و عامل فساد است. مگر در کشورهای دیگر برای خرید ارز در صف می‌ایستند. البته خرید و فروش ارز در دنیا در بزرگ‌ترین بازارها و توسط مقامات شرکت‌های بزرگ چندملیتی و سفته‌بازان بزرگ و بورس‌های دنیا انجام می‌شود نه توسط مردم عادی. در حالی که ما مردم عادی را وارد بازی کردیم.

چگونه ارز مرجع به جای واردات دارو ساز لوازم

آرایشی درآورد یا از غذا صرف واردات پورشه شد؟

این اتفاق بعد از حضور من در بانک مرکزی و توسط وزرای دولت مطرح شد که ارز دارو را نمی‌دهند. به هر حال وقتی می‌گویند هر ارزی را تزریق کنید، همه طالبش می‌شوند، همین داستان است. فرض کنید دختر دانشجو در خارج از کشور داشته باشد، مادامی که ارز سه‌هزارو ۸۰۰ تومان است و نرخ‌ی که دولت می‌فروشد مثلا سه‌هزاره ۱۱۰ تومان، متقاضی زیاد می‌شود. اگر دولت بگوید به دانشجو از می‌فروشم اما سه‌هزارو ۸۰۰ تومان دیگر برای چه بخرم؛ مثل صحبت ارز مسافری ۳۰۰ دلاری می‌شود. وقتی نرخ پایین باشد متقاضی هم بیشتر می‌شود. دانشجویی هم که ارز نمی‌گرفت، ارز می‌گیرد و از دونرخ‌ی‌بودن ارز استفاده می‌کند که این رانت و فساد است. همه تقاضاهای غیرواقعی هم واقعی می‌شود. بنابراین باید از این نظر کنترل کنیم. اگر قیمت واقعی باشد مصرف هم کنترل می‌شود. حتی نرخ سود هم غیرواقعی و پایین باشد، صف می‌شود. اگر طلا هم بفروشی، یعنی ارز فروخته‌ای.

ما ۹۳ درصد از درآمد بانک ایران زمین در دی

ماه ۹۳ از کارهای شما در بانک ایران زمین در دی

برکنار نشدم. سهامان را فروختم. به‌عنوان نماینده بازنشتگان نفت آنجا بودم. با بخش خصوصی که از شرکای ما بودند، اختلاف نظر داشتم. همکام و همراه با هیئت‌مدیره بخش خصوصی بانک نبودم برای همین هم تعدادشان این بود من کنار بروم و آخر متقاعدشان کردیم که سهام ما را بردارند. بانک مرکزی هم کمک کرد بازنشتگان شرکت نفت که دو سه میلیون تومان سهام داشتند، پول خود را بگیرند. سهامداران بخش خصوصی هم پول ما را دادند و ما پول آنها را گرفتیم و به‌عنوان سهامدار از آن مجموعه خارج شدیم. بالطبع من هم باید بیرون می‌آمدم چون من نماینده آنها نبودم.

پس چرا بانک مرکزی به برکناری شما واکنش تندی نشان داد؟

دفعه اولش نبود. اول آنها من را کنار گذاشتند و بانک مرکزی من را برگرداند؛ بعد از شش ماه سهام ما را خریداری کردند و دیدند نمی‌توانند بدون اینکه سهام را بخرند من را کنار بگذارند. این کار را کردند و بانک مرکزی هم کمک شایانی کرد تا پول بازنشتگان نفت را بگیریم.

اما در نامه بانک مرکزی برگزارشدن جلسه تأیید صلاحیت برای آقای ناصر سالاری به‌عنوان جانشین شما دلیل اصلی مخالفت با برکناری شما اعلام شده بود.

آنها هم دلشان نمی‌خواست من کنار بروم. چون من با سیاست‌های آن مقطع خیلی موافق نبودم و بانک مرکزی هم همراهی می‌کرد. آنها متأسفانه سرپرست جای من گذاشته بودند. بانک مرکزی می‌گفت باید تأییدیه من را از قبل می‌گرفتید که سرپرست بگذارید؛ اشکال کار اینجا بود. برای همین هم دیوانه من را برگرداندند چون قبلا مذاکره نکرده بودند که تأییدیه سالاری را بگیرند. برای همین هم بانک مرکزی از من دفاع کرد.

اما برخی معتقد بودند این نامه به دلیل روابط نزدیک شما با مسئولان بانک مرکزی نوشته شده بود.

خب من کارمند بانک مرکزی بودم که در آن مقطع بازنشسته شده بودم. بانک مرکزی از حق خودش دفاع کرد. اگر قرار باشد مسئولانی که به‌عنوان مدیرعاملی بانک منصوب می‌شوند، نتوانند تأییدیه بانک مرکزی را بگیرند و به‌عنوان سرپرست وارد بانک شوند، همه بانک‌ها در دست بانک مرکزی خارج می‌شوند. ایراد بانک مرکزی این بود که اول تأییدیه از من می‌گرفتند. بعد آن را می‌گذاشتند. از آنها این ایراد را گرفت نه اینکه بخواهد از من دفاع شخصی کند. بنابراین اگر بانک مرکزی مورد من را قبول می‌کرد، این مشکل به باقی بانک‌ها هم برمی‌گشت. پس رابطه شخصی من نبود.

یعنی فقط به صرف کارمندبودن بود؟

خیر. تصمیم گرفته‌م من را براردندو چون تأییدیه نگرفته بودند.بانک مرکزی نمی‌پذیرفت.

شما در شرایطی ازبانک ایران زمین در اردیبهشت ۹۴ استعفا دادید که این بانک با حاشیه‌هایی مانند فرزندشن حساسید نزد بانک مرکزی، عدم وصول چک‌های بالای صد میلیون تومان نرسد بانک‌های دیگر و رسانه‌ای‌شدن شکایت یکی از شرکت‌های زیرمجموعه بانک سبه از آن مواجه بود. آیا این عملکرد در جابه‌جایی از بانک ایران زمین به صندوق ضمانت صادرات نقشی داشت؟

خیر ریاست نداشت. عدم حضور من در بانک ایران زمین صرفا به دلیل فروش سهام بود. نمی‌توانستم سهام داشته باشم؛ آنها من را قبول نداشتند.

یادداشت

۲ ابهام طرح مجلس درباره تحقق بانک مرکزی مستقل



علی پالار
کارشناس اقتصادی

● در روزهای گذشته در میان خبرهای اقتصادی شاهد نهایي شدن طرح جدید کمیسیون اقتصادی برای تغییر ساختار بانک مرکزی با هدف تبدیل این نهاد به یک نهاد مستقل بودیم. یکی از مهم‌ترین بخش‌های طرح کمیسیون اقتصادی مجلس سخت‌کردن استقراض دولت از بانک مرکزی است. در این طرح نحوه تکلیف استقراض‌های دولت از بانک مرکزی مشخص شده است و مقرر شده بانک مرکزی تنها می‌تواند به دولت تنخواه یا سررسید کمتر از شش ماه اعطا کند و کل تنخواه نیز باید در همان سال بودجه‌ای تسویه شود؛ همچنین مقرر شده است: مانده تنخواه دریافت‌شده دولت در هر مقطع از سال نباید از پنج درصد کل درآمدهای مالیاتی تحقیق‌یافته دولت در سال گذشته تجاوز کند و در صورت تسویه‌نشدن تنخواه در زمان مقرر، بانک مرکزی مکلف است تا زمان تسویه کامل، از اعطای هرگونه تنخواه جدید اجتناب کند. دراین‌باره دو نکته مبهم ر می‌توان مورد توجه قرار داد:

نکته اول: با درنظرگرفتن چند واقعیت در اقتصاد ایران مسدودکردن یا سخت‌شدن ارتباط مالیه دولت با خلق پول به وسیله بانک مرکزی موجب انتقال فشارهای کسری بودجه به سایر بخش‌های اقتصادی از جمله بانک‌ها خواهد شد و هدف اصلی این طرح که جلوگیری از افزایش پایه پولی از کانال استقراض دولت از بانک مرکزی است، از یک سو فشار سنگین هزینه‌های جاری بر روی دوش بودجه دولت و از سوی دیگر وابستگی مستقیم و غیرمستقیم بودجه به نفت موجب شده است، در بهترین حالت با صرف‌نظرکردن از پرداخت‌های عمرانی دولت کسری بودجه در حداقل رسیده است. از این نظر با درنظرگرفتن این واقعیت مسدودکردن ارتباط مالیه دولت با بانک مرکزی موجب خواهد شد تا دولت برای پوشش کسری بودجه به استقراض از بانک‌ها روی آورده و در پی آن افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و به تبع آن پایه پولی از این کانال افزایش یابد. نکته مهم دیگر بحث نظام ارزی و نقش بانک مرکزی به‌عنوان متولی بازار پول در اقتصاد ایران است. بررسی نظام‌های ارزی مختلف نشان می‌دهد که یک کشور هم‌زمان نمی‌تواند جریان آزاد سرمایه، نرخ ارز ثابت و سیاست پولی مستقل داشته باشد که این سه حالت در اقتصاد به سه‌گانه ناممکن معروف شده است. به عبارت دیگر یک کشور مجبور است یک ضلع این مثلث را انتخاب کند و یکی از این اهداف باید قربانی دو هدف دیگر شود.

درواقع می‌توان گفت یک کشور می‌تواند جریان آزاد سرمایه و سیاست پولی مستقل داشته باشد که کشور آمریکا بهترین نمونه برای این حالت می‌تواند باشد که غیرممکن خواهد بود بتوان در کشور مانند آمریکا نرخ ارز ثابت داشته باشیم؛ بلکه باید نرخ ارز شناور باشد تا بازار معاملات خارجی به تعادل برسد. حالت دیگر کشور هنگ‌کنگ خواهد بود که نظام نرخ ارز ثابت با جریان آزاد سرمایه را در کشور خود پیاده کرده است. درواقع در این کشور اجرای سیاست پولی مستقل از توانایی بانک مرکزی خارج می‌شود. عرضه پول تحت تأثیر سیاست‌های پولی بانک مرکزی باید آن‌قدر تعدیل شود تا نرخ ارز در سطح ثابت‌شده اعلام شود. به عبارت دقیق‌تر می‌توان گفت وقتی یک کشور ارزش پول خود را نسبت به کشور دیگر ثابت می‌کند در واقع سیاست پولی آن کشور امریکا را پذیرفته است. برای حالت دیگر می‌توان به چین اشاره کرد که سیاست پولی نسبتا مستقل با نظام نرخ ارز ثابت را برگزیده است. این حالت نرخ بهره تابع نرخ بهره جهانی بوده است. همان‌طور که گفته شد، در این وضعیت امکان تعیین نرخ ارز ثابت و اجرای سیاست پولی مستقل وجود نخواهد داشت. حلقه واسطی که این سه‌گانه را با هم ناممکن کرده است، تغییرات نرخ ارز در پی ورود سرمایه و در عبارت دیگر نرخ ارز ثابت و خروج سرمایه و در پی آن تغییرات نرخ ارز. اگر نظام نرخ ارز ثابت باشد، بانک مرکزی باید برای برقراری نظام نرخ ارز ثابت با عرضه یا تقاضای ارز در بازار نرخ ارز هدف را تثبیت کند. برای ایران نظام نرخ ارز با اینکه ثابت نبوده است؛ ولی تغییرات آن به دلیل کلیدی‌بودن متغیر نرخ ارز در بازار، تحت دامنه‌ای محدودی است. به عبارت دیگر دولت باید از طریق فعالیت‌های بانک مرکزی از نوسانات هیجانی نرخ ارز جلوگیری کند. درواقع عرضه ارز از سوی بانک مرکزی برای ثبات بازار ارز می‌تواند از کانال نقدینگی وضعیت اقتصادی را متاثر کند و حتی در مقام سیاست‌های بانک‌یاتی ظاهر شود که ممکن است با اهداف سیاست‌های مالی دولت در تعارض باشد. به‌طورکلی فنتی‌بودن اقتصاد و آسیب‌پذیری اقتصاد تحت تأثیر ریسک‌های سیاسی یکی از مهم‌ترین موانع مستقل‌بودن بانک مرکزی است.